




The effect of establishing the right to education and training in preventing victimization caused by ignorance

Ismail Henry Ghane¹, Shahraddad Darabi ², Mohammad Rasoul Ahangaran³

Abstract

Field and Aims: Victimization due to ignorance refers to a situation in which citizens are placed in criminal situations due to lack of knowledge and skills, lack of awareness, cultural and social poverty and may even be the perpetrators of crimes against themselves. This research has attempted to answer this question: To what extent can the establishment of the right to education be effective in preventing victimization due to ignorance? It seems that merely recognizing the right to education in human rights documents, the constitution and ordinary laws cannot achieve this goal, but rather implementing the right to quality, beneficial and equal education can be considered an important factor in preventing victimization by tracking the desired results.

Method: This research, using library resources and using a descriptive-analytical method, seeks to examine the effect of establishing the right to education on this type of victimization while studying victimization due to ignorance.

Findings and Conclusions: Education can be an important factor in preventing this type of victimization by achieving the following goals: 1- strengthening human dignity, 2- developing freedom of expression, 3- promoting participation in society, 4- empowering the government and citizens, 5- educating law-abiding individuals, and 6- improving cultural, economic, and social conditions. It is suggested that governments, by enacting executive regulations to establish and support the right to education and prevent inequality and deviation in this area, in addition to achieving a strong society, reduce victimization due to ignorance.

Keyword: victimization, right to education, law-abiding, empowerment, criminal situation.

*Citation (APA): Henry Ghane, I.; Darabi, S.H.; Ahangaran, M.R. (2025). The effect of establishing the right to education and training in preventing victimization caused by ignorance. *Applied criminology research*, 2(6), 191-212.

https://qacr.ir/article_727005.html?lang=en

1. Department of Criminal Law and Criminology. Qom Branch, Islamic Azad University. Qom, Iran, asmaylhnry3@gmail.com
2. Department of Criminal Law and Dogmatology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. (Corresponding Author). shahrdad.darabi@yahoo.com
3. Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Faculty of Theology, Farabi Campus, University of Tehran. Qom, Iran, ahangaran@ut.ac.ir





نوع مقاله: پژوهشی

Article Type: Research

doi: 10.22034/AQCR.2025.2064211.1072

سامانه: qacr.ir

اثر برقراری حق تحصیل و آموزش در پیشگیری از بزه‌دیدگی ناشی از جهل

اسماعیل هنری قانع^۱، شهرداد دارابی^۲✉، محمد رسول آهنگران^۳

چکیده

زمینه و هدف: بزه‌دیدگی ناشی از جهل به موقعیتی اطلاق می‌شود که در آن، شهروندان به جهت نداشتن دانش و مهارت، عدم آگاهی، فقر فرهنگی و اجتماعی در موقعیت‌های مجرمانه قرار می‌گیرند و حتی ممکن است خود عامل ارتکاب جرم علیه خویش باشند. در این پژوهش تلاش شده است به این سؤال پاسخ داده شود: برقراری حق تحصیل و آموزش تا چه اندازه می‌تواند در پیشگیری از بزه‌دیدگی ناشی از جهل مؤثر است؟ به نظر می‌رسد صرف شناسایی حق تحصیل در اسناد حقوق بشری، قانون اساسی و قوانین عادی، نمی‌تواند این هدف را محقق سازد بلکه اجرای حق آموزش با کیفیت، نافع و برابر می‌تواند با رهگیری نتایج مطلوب عامل مهمی در پیشگیری از بزه‌دیدگی محسوب شود.

روش: این پژوهش با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، در صدد است تا ضمن مطالعه‌ی بزه‌دیدگی ناشی از جهل، اثر برقراری حق تحصیل در این نوع از بزه‌دیدگی را مورد بررسی قرار دهد.

یافته‌ها و نتایج: آموزش با نیل به اهداف زیر می‌تواند عامل مهمی در پیشگیری از این شیوه‌ی بزه‌دیدگی باشد: ۱- تقویت کرامت انسانی؛ ۲- توسعه‌ی آزادی بیان؛ ۳- ترویج مشارکت در اجتماع؛ ۴- توانمندسازی حاکمیت و شهروندان؛ ۵- تربیت افرادی قانون‌مدار و ۶- بهبود اوضاع فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی. پیشنهاد می‌گردد دولت‌ها با وضع مقررات اجرائی در راستای برقراری حق تحصیل و حمایت از آن و نیز جلوگیری از نابرابری و انحراف در این حوزه، علاوه بر دستیابی به جامعه‌ای قدرتمند، بزه‌دیدگی ناشی از جهل را کاهش دهند.

کلیدواژه‌ها: بزه‌دیدگی، حق تحصیل، قانون‌مداری، توانمندسازی، موقعیت مجرمانه.

استناددهی (APA): هنری قانع، اسماعیل؛ دارابی، شهرداد؛ آهنگران، محمد رسول. (۱۴۰۳). اثر برقراری حق تحصیل و آموزش در پیشگیری از بزه‌دیدگی ناشی از جهل. پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی، ۲(۶)، ۱۹۱-۲۱۲.

https://qacr.ir/article_727005.html

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی. واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی. قم، ایران.

رایانامه: asmaylhny3@gmail.com

۲. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: shahrdad.darabi@yahoo.com

۳. استاد گروه فقه و مبانی حقوق، دانشکده الهیات، پردیس فارابی دانشگاه تهران. قم، ایران.

رایانامه: ahangaran@ut.ac.ir



مقدمه

بزه‌دیده‌شناسی، با بررسی انواع بزه‌دیدگان و علل آن، در صدد است نوعی پیشگیری با محور بزه‌دیدگی ایجاد نماید. تقویت سیبل مجرمانه، آگاه‌سازی، هشدار، آگاهی‌بخشی و توانمندسازی نسبت به بزه‌دیدگان عاملی برای پیشگیری از وقوع جرایم است. یکی از ابزارهایی که برای این نوع از پیشگیری می‌توان استفاده کرد؛ برقراری حق تحصیل و آموزش با کیفیت و به دور از تبعیض می‌باشد. حق بر آموزش به عنوان یکی از مصادیق نسل دوم حقوق بشر، شامل آموزش‌های رسمی و غیررسمی می‌باشد. عموماً در حقوق اساسی کشورهای مختلف و اسناد بین‌المللی این حق به رسمیت شناخته شده است و برای حاکمیت‌ها نیز در این حوزه تکالیفی مشخص شده است. چگونگی اجرای این حق، لوازم و ضروریات کیفیت‌بخشی به آن و اجرای عادلانه‌ی حق بر آموزش، مؤثر بر نتایج و پیامدهای آن خواهد بود. جهل عامل مهمی در بزه‌دیده واقع شدن افراد محسوب می‌شود. گاهی این جهل موجب آسیب خودی است و گاهی زمینه را برای بزه‌دیدگی فراهم می‌سازد. در نوع اول شخص بزه‌دیده خود عامل زیان محسوب می‌گردد. در نوع دوم، فرد با ایجاد شرایط فردی و یا محیطی، موقعیتی برای مجرمان فراهم می‌سازد و خود را در معرض اعمال مجرمانه قرار می‌دهد. در این پژوهش تلاش داریم با در نظر گرفتن نقش جهل بزه‌دیده در وقوع جرایم، برقراری حق تحصیل و آموزش را به عنوان عامل پیشگیری در بزه‌دیدگی ناشی از جهل مورد بررسی قرار دهیم. هدف از این مطالعه تبیین ارزش آموزش و تحصیل در توانمندسازی شهروندان برای پیشگیری از بزه‌دیدگی آنان می‌باشد.

۱. مفاهیم و پیشینه

بررسی ارتباط بین برقراری حق آموزش و پیشگیری از بزه‌دیدگی ناشی از جهل، وابسته به تعریفی است که از این مفاهیم در هر نظام حقوقی ارائه شده است؛ به عبارت دیگر اگر حق بر تحصیل و آموزش در یک نظام حقوقی به رسمیت شناخته شده باشد و سازوکار اجرایی آن نیز تبیین شده باشد، می‌توان نتایج اجرای آن را نیز ارزیابی کرد و اثر آن را در پیشگیری از بزه دیدگی ناشی از جهل مورد تحلیل قرار داد. در این بخش مفاهیم اصلی یعنی حق آموزش و بزه‌دیدگی جهل تعریف شده و در بخش بعدی اثر تحصیل در پیشگیری از این نوع از بزه‌دیدگی بررسی خواهد شد.

۱-۱. حق تحصیل و آموزش

آموزش در لغت به معنی آموختن، یاد دادن و تعلیم آمده است (معین، ۱۳۸۵، ۵۲). در تعریف این اصطلاح گفته شده است: هرگونه فعالیت یا تدبیر از پیش طراحی شده‌ای که هدف آن ایجاد یادگیری در یادگیرندگان است (سیف، ۱۴۰۰، ۱۴). کنوانسیون منع تبعیض در آموزش^۱ در تعریف این واژه در بند ۲ ماده ۱ اینگونه آورده است: «آموزش همه انواع و سطوح آموزش را در برمی‌گیرد و شامل دسترسی به آموزش، استانداردها و کیفیت آموزش و شرایطی است که در آن، آموزش ارائه می‌شود»

از تعاریف و نیز دیدگاه‌های ارائه شده نسبت به آموزش و تحصیل می‌توان دریافت که دو معنای عام و معنای خاص از این اصطلاح می‌توان استنباط کرد: معنای عام که شامل هر گونه آموختن و مهارت‌آموزی است و معنای خاص که عمدتاً در مدارس و از سوی معلمان واجد صلاحیت‌های خاص و در موضوعات مشخص شده یا کنترل شده از سوی دولت صورت می‌گیرد (مظهری و همکاران، ۱۴۰۲، ۸۷). آموزش در مفهوم مضیق، به مفهوم تحصیل در دانشگاه و مدرسه است و در معنای موسع دربردارنده همه اقدام‌هایی است که شکوفایی ذهنی، جسمی، روانی و اجتماعی را برای انسان به همراه دارد (فلسفی، ۱۳۹۵، ۱). به نظر می‌رسد که هر گونه آموزشی که منجر به تعالی انسان شود و نیازی را از انسان برطرف نماید را می‌توان شامل این حق دانست^۲. حق بر آموزش اعم از تحصیلات رسمی ابتدائی و عالی می‌باشد؛ فراگیری و تعالی ذهنی در اثر هر گونه ملاحظه‌ی اهدافی که برای آموزش و تحصیل قائل شده‌اند؛ می‌توان حق بر آموزش را از ابزارهای مهمی دانست که اجتماع بشری و دولت‌ها در تأمین آن به دنبال پیشرفت تمدنی و ارتقای جایگاه شهروندان خود هستند و صرفاً حقی نیست که ایجاد رفاه می‌کند، بلکه از بسیاری دیگر از انحرافات، بزهکاری‌ها و بزه‌دیدگی‌ها جلوگیری می‌نماید.

به نظر نویسنده حق تحصیل را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «حق انسان به فراگیری دانش، مهارت‌های نظری و عملی در تمام مراحل عمر با هدف کمال انسان» کمال انسان در توانمندی

1. Convention Against Discrimination in Education (1990)

۲. مفاهیم آموزش در معنای؛ تعلیم و تدریس، ترویج علم، آموزش پایه، آموزش تخصصی، آموزش پیش‌دبستانی، آموزش دبستانی، آموزش متوسطه اول، آموزش متوسطه دوم، آموزش عالی، آموزش رسمی، آموزش غیررسمی، آموزش محیطی، آموزش ضمن خدمت، آموزش فنی و حرفه‌ای، آموزش والدین، آموزش مادام‌العمر و آموزش در جامعه معنی شده است. به عقیده‌ی برخی آموزش غیررسمی شامل یادگیری اجتماعی است که فرد از تعامل خود با گروه‌های همسالان صمیمی خود به دست می‌آورد. (Crews, 2009, 5)

آسیب‌های اجتماعی نسبت به اوست. آیه ۱۴۱ سوره نساء^۱ می‌فرماید تسلط نیافتن کافران بر مؤمنان زمانی اتفاق می‌افتد که مسلمانان در تمام زمینه‌های لازم، از جمله علم، خودکفا باشند. این آیه در صدد بیان اهمیت تحصیل در پیشگیری از قربانی شدن و آسیب‌پذیری است.

۲-۱. بزه‌دیدگی ناشی از جهل

عمل قربانی کردن مجرمانه را بزه‌دیدگی گویند (قاسمی و مرادی، ۱۳۹۷، ۱۵۶). بزه‌دیده شخصی است که به جهت موقعیت و وضعیت خاص، متحمل پیامدهای دردآور و مشقت باری می‌شود که عواملی با ریشه‌های فیزیکی، روانی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و حتی طبیعی دارد (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۷۹، ۲۶). عمدتاً بزه‌دیدگی ناشی از عوامل انسانی است، رفتارهایی که ایجاد آثار زیانباری نسبت به قربانیان جرم می‌نماید. به عبارت دیگر بزه‌دیدگان قربانیان اعمال مجرمانه هستند، این اعمال مجرمانه البته می‌تواند ناشی از رفتار شهروندان یا جرائم دولتی باشد. تاریخ پیدایش بزه‌دیده‌شناسی^۲ به سال ۱۹۴۸ برمی‌گردد، سالی که کتاب «مجرم و بزه‌دیده» اثر «هانس فون هنتیک» نگاشته شد. بزه‌دیدگان بر مبنای نقش آنها در ارتکاب جرم از منظر بنیامین مندلسون به در طبقه قرار می‌گیرند:

(۱) بزه‌دیده کاملاً بی‌گناه که می‌توان وی را «بزه‌دیده آرمانی» توصیف کرد، یعنی بزه‌دیده ناآگاه، مانند کودک بزه‌دیده.

(۲) بزه‌دیده با حداقل تقصیر (بزه‌دیده جهل) مانند زنی که با توسل به وسایل تجربی موجبات یک زایمان ناقص را فراهم می‌آورد و با از دست دادن جانش، سزای جهل و نادانی‌اش را می‌بیند.

(۳) بزه‌دیده با مسئولیت مجرمانه همسان با مجرم یا بزه‌دیده آگاه و مختار.

(۴) بزه‌دیده‌ای که بیش از بزه‌کار یا به تنهایی مقصر است، شامل: الف) بزه‌دیده محرک که با رفتار خود مجرم را به ارتکاب جرم تحریک می‌کند؛ ب) بزه‌دیده بی‌احتیاطی که به خاطر نداشتن تسلط به خود موجب وقوع تصادف می‌شود.

(۵) بزه‌دیده با مسئولیت مجرمانه تام، شامل: الف) بزه‌دیده مجرم، یعنی کسی که ابتدا به دیگری هجوم می‌برد و به واسطه دفاع مشروع شخص مورد هجوم به قتل می‌رسد و بزه‌دیده واقع می‌شود؛ ب) بزه‌دیده تصنعی، یعنی بزه‌دیده‌ای که در مقام شاکی، متهم را تحت فشار قرار داده، او را تهدید می‌کند تا دادگاه را به اشتباه بیندازد؛ ج) بزه‌دیده تخیلی، یعنی شاکی مبتلا

۱. ... وَكُنْ يَجْعَلِ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا

به پارانویا (فردی که به طور غیرواقعی می‌پندارد دیگری به او آسیب رسانیده و در صدد جبران برمی‌آید) (لپز و فلیزولا، ۱۳۷۹، ۵۴-۵۲).

در این پژوهش ما با جامعه‌ای از بزه‌دیدگان جاهل، افرادی که به جهت نقص در آگاهی و سواد عمومی و تخصصی، قربانی برخی رفتارها قرار می‌گیرند؛ که این بزه‌دیدگان در چند دسته جای می‌گیرند: (۱) بزه‌دیدگانی که خود عامل زیان به خود هستند و آسیب‌های وارده ناشی از اعمال خود آنهاست؛ (۲) بزه‌دیدگانی که عدم آگاهی و جهل، ایشان را در موقعیت قربانی قرار می‌دهد و طعمه‌ای برای بزه‌کاران می‌سازد؛ (۳) دسته‌ی سوم افرادی هستند که جهل آنان، سبب افزایش شدت و میزان بزه‌دیدگی و آسیب‌های وارده خواهد بود؛ بنابراین در تعریف بزه‌دیدگی ناشی از جهل می‌توان گفت: «فردی است که به دلیل عدم آگاهی و اشراف به قوانین و شرایط، مرتکب اعمالی می‌شود که انحرافی محسوب می‌شود و در نتیجه‌ی آن، قربانی واقع شده و متحمل آسیب‌هایی می‌گردد.» برقراری حق تحصیل و آموزش می‌تواند عاملی پیشگیرانه در این‌گونه از بزه‌دیدگی باشد.

۳-۱. پیشینه‌ی تحقیق

پژوهش‌هایی که در خصوص اثر آموزش و تحصیل در پیشگیری از بزه‌دیدگی صورت گرفته است عموماً تأکید بر جرایم خاص در این حوزه دارند و یا با لحاظ جرایم و انحرافات که در محیط مدرسه رخ می‌دهد، تحصیل و آموزش را مانعی در پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان محسوب می‌نمایند؛ در این زمینه می‌توان به این تحقیقات اشاره کرد:

آل رسول و مرشدی (۱۴۰۳) در مقاله‌ی «نقش آموزش در پیشگیری از بزه‌دیدگی سایبری»؛ برنامه‌های آموزش امنیت سایبری و پیشگیری از جرم با ایجاد دانش بنیادی و ... می‌تواند نقش بسیار مهمی در پیشگیری از جرائم سایبری ایفا می‌کند.

شیری و بطیاری (۱۳۹۷) در مقاله‌ی «پیشگیری از بزه‌دیدگی قلدری کودکان و نوجوانان از مسیر مداخلات مدرسه محور»؛ در این پژوهش عنوان شده است که نظام آموزش و پرورش هر کشوری نقش بی‌بدیل در پیشگیری از بزه‌دیدگی دارد.

برایت و همکاران (۲۰۲۵) در یک تحقیق متفاوت اثر آموزش را بر نوجوانان دارای معلولیت ذهنی و رشدی مورد بررسی قرار داده‌اند و چالش‌هایی که در برنامه‌های آموزشی با این هدف وجود دارد را بررسی کرده‌اند.

۲. افزایش آگاهی و دانش بزه‌دیدگان در پرتو برقراری حق تحصیل

بزه‌دیدگی ناشی از جهل، نتیجه‌ی سطح پایین دانش، سواد عمومی و تخصصی در افراد است. ترمیم این آسیب‌ها، عموماً غیرممکن بوده یا به شکلی کامل انجام نمی‌گیرد. در نتیجه انتخاب پیشگیری با ابزار تحصیل و آموزش می‌تواند راهکاری اثربخش و کم‌هزینه باشد. حال باید دید آیا برقراری این حقوق فرهنگی می‌تواند موجب افزایش آگاهی و دانش باشد یا خیر؟ برخی معتقدند در مورد اطفال و نوجوانان مهم‌ترین راه پیشگیری از بزه‌دیدگی آموزش است (Kaya, 2013: 147). برای دستیابی به امنیت و بهره‌وری، پیشگیری ابزاری مهم در اختیار مقامات دولتی محسوب می‌شود؛ نقش قربانی جرم در وقوع پدیده‌ی جنائی نباید نادیده گرفته شود و راهکار آن آموزش جامعه در مورد اقدامات پیشگیرانه‌ای است که می‌توان برای جلوگیری از قربانی شدن افراد انجام داد (Hussin & Zawawi, 2012: 855) ما با این پیش‌فرض وارد این پژوهش شدیم که آگاهی و آموزش عاملی پیشگیرانه است و در این قسمت تلاش خواهیم کرد نشان دهیم، تحصیل چگونه آگاهی را افزایش می‌دهد و منظور از آگاهی و دانش، کدام یکی از فاکتورهای شخصیت فردی و اجتماعی انسان می‌باشد؟

۲-۱. پیشگیری از بزه‌دیدگی با ایجاد کرامت انسانی از طریق برقراری حق تحصیل

کرامت انسانی به معنی پاسداشت شخصیت او و برخورداری او از عزت و احترامی است که شایسته‌ی اوست. اجرای حق تحصیل، انسان را به گونه‌ای راهنمایی می‌سازد که می‌تواند هم برای خود کرامت انسانی قائل شود و هم برای دیگران این عزت را قائل شود. آیه ۷۰ از سوره اسرا^۱ که همه دانشمندان و صاحب‌نظران را برای اثبات کرامت ذاتی انسان به آن استناد می‌کنند: و ما تحقیقاً فرزندان آدم را تکریم نمودیم و آنان را در خشکی و دریا به حرکت درآوریم و از مواد پاکیزه بر آن روزی مقرر کردیم و آنان را بر بسیاری از موجودات که آفریدیم، برتری دادیم. منشأ این کرامت عبارت است از صفات، نیروها و استعدادهای بسیار با اهمیت که با به کار انداختن آنها و تکاپوی مخلصانه در مسیر «حیات معقول» به اتصاف به کرامت عالی ارزشی نائل می‌شود (جعفری، ۱۳۹۷: ۲۰۰).

کرامت انسانی مبتنی بر اصولی چون آزادی، برابری، حق توسعه، امنیت و حراست از هسته بنیادین زندگی افراد، کیفیت زندگی و رفاهیات اجتماعی است و برخی اعمال در جامعه بشری با اصل کرامت، شأن و عزت انسانی مغایرت دارند که از آن جمله می‌توان به شکنجه، تحقیر،

۱. « وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَهْدِ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً »

تبعیض دینی و مذهبی، نقض حقوق زنان، بی‌توجهی به کودکان و اقشار آسیب‌پذیر، نقی حقوق سیاسی اقلیت‌ها و غیره اشاره کرد (قربی، ۱۳۹۹: ۶۱). باید تعلیم و تربیت را یکی از شروط کرامت انسانی تلقی کرد و به عنوان یک حق انسانی شناخت. کرامت انسانی توسط عده‌ای چیزی بیش از یک فرض پیش‌داورانه و مضر تلقی نمی‌شود. واقعیت این است که امروزه مفهوم کرامت انسانی به عنوان پایه اخلاقی حقوق بشر شناخته شده است.

فراگیرترین قاعده حق آموزش در کنوانسیون حقوق کودک پیش‌بینی شده که شامل رشد شخصیت، استعداد و توانایی فیزیکی و فکری؛ توسعه احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و اصول منشور ملل متحد؛ توسعه احترام به والدین، هویت فرهنگی، زبان و ارزش‌های ادبی و ملی و تمدن‌های متفاوت؛ آماده‌سازی برای زندگی مسئولانه در جامعه‌ای آزاد در سایه تفاهم، صلح، تحمل، برابری و دوستی میان همه مردم و گروه‌های قومی، ملی، مذهبی و افراد بومی و تقویت احترام به محیط زیست طبیعی است (فلسفی، ۱۳۹۴: ۲۸۰).

زمانی می‌توان از کرامت انسانی سخن گفت که شخصیت او را به درجه‌ای تعالی بخشیده باشیم که از طبیعت حیوانی خود فاصله گرفته باشد و نمی‌توان انتظار داشت هر انسانی در خود احساس شخصیت نماید بدون اینکه او را متخلص به اخلاق بشری قرار داده باشیم. انسان‌ها را می‌توان از این بابت آماده ساخت و ابزار این آمادگی نیز همان حقوق انسانی است. شخصیت بالغ و مقاوم انسان در سایه‌ی افزایش سطح سواد و آگاهی شکل می‌گیرد.

۲-۲. پیشگیری از بزه‌دیدگی با توسعه‌ی آزادی بیان، از طریق برقراری حق تحصیل

آزادی بیان شامل آزادی در بیان، اندیشه، تحصیل و اشاعه آزادانه اطلاعات می‌باشد (زاهدی و شریف‌زاده، ۱۴۰۰، ۹۵). از نظر اجتماعی، آزادی بیان سبب برخورد و تعالی افکار و رشد و شکوفایی اندیشه‌ها می‌شود (کاتوزیان و همکاران، ۱۳۸۲: ۵۰۱). آزادی بیان قابل تطبیق با وضع آن اجتماعی نیست که در آن هنوز افراد نیاموخته‌اند با بحث آزاد و با مساوات در بحث مشکلات خود را حل کنند (کاتوزیان و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۴۰). آزادی بیان، یک آزادی مطلق و بی‌قید نیست. آزادی در بیان افکار و اندیشه‌هایی مورد قبول است که بتواند اصلاح‌گر باشد و نافع، آزادی بیان در جامعه‌ای قابل اجراست که مردمان آن بحث را از جدل و گفتگو را از مجادله و جنگ باز تشخیص دهند. با این اوصاف به نظر می‌رسد که تحصیل و آگاهی افراد اجتماع می‌تواند بهترین راهکار برای اجرای آزادی بیان باشد.

یکی از مهم‌ترین انواع بزه‌دیدگی، پدیده بزه‌دیدگی ناشی از قدرت دولت است که از جهل اشخاص به حقوق فردی و اجتماعی خودشان به وجود می‌آید (نیسی و صادقی، ۱۴۰۲: ۱).

آزادی بیان ابزار مقابله با قدرت‌طلبی‌ها و تعیین سرنوشت افراد جامعه است؛ انسان بدون فراگیری علوم و بدون تحصیل دانش نمی‌تواند سبک بیان متناسب و صلح‌آمیز داشته باشد؛ به عبارت دیگر استفاده از این حق نیاز به سطحی از دانش دارد، نقض آزادی بیان از بی‌سوادی اجتماع و افراد حاصل می‌شود. در اثر این نقض جامعه‌ی انسانی با چالش‌های مهمی مانند نفوذ دیکتاتوری و تسلط افکار بسته مواجه می‌شود. تحصیل ابزاری پیشگیرانه از این عواقب ناخوشایند محسوب می‌شود. رفتارهای انحرافی و مجرمانه در این باب را کاهش می‌دهد و سبب می‌شود بسیاری از آسیب‌ها که منجر به درگیری‌هایی بین گروه‌ها و افراد می‌شود کاهش یابد. به نظر نگارنده آزادی بیان بسیاری از عوامل جرم‌زا را محو می‌کند و تحقق آزادی بیان نیز صرفاً با تحصیل امکان‌پذیر است.

۲-۳. حق تحصیل عامل گسترش حق مشارکت در اجتماع

کارآمدی و اجرای موفقیت‌آمیز سیاست‌های پیشگیری از جرائم، ارتباط مستقیمی با جلب همکاری مردم دارد (آل رسول و مرشدی، ۱۴۰۳: ۸۸). تحقق حق بر آموزش به ورود مؤثر افراد در جامعه و پیگیری تحقق سایر حقوق بشر و سرانجام از این طریق، به انتفاع اجتماع و جامعه منجر می‌شود. یکی از ابعاد مهم این مشارکت، در حیات فرهنگی است؛ حق مشارکت در حیات فرهنگی در ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین در نظام حقوقی ایران، در قانون اساسی، قوانین عادی و حتی حقوق نرم مورد پذیرش قرار گرفته است. در سطح حقوق بین‌الملل بشر، این حق، به معنای فرصت‌های واقعی و تضمین شده برای تمام گروه‌ها یا اشخاص می‌باشد تا بتوانند آزادانه آثار خود را بیان کنند، ارتباط برقرار نمایند، اقدام کنند و در فعالیت‌های خلاق با هدف توسعه‌ی کامل شخصیت خویش و زندگی هماهنگ و پیشرفت فرهنگی جامعه سهیم باشند (بکرایی و حبیبی مجنده، ۱۴۰۲: ۸۹). مشارکت در اجتماع عاملی برای مقابله با دیکتاتوری و قدرت‌یافتن گروه‌های سیاسی و اجتماعی اقتدارگرا است. تحت نفوذ اقتدارگرایی قرار گرفتن می‌تواند سبب برخی از جرایم دولتی شده و سیاست‌گذاری‌های خسارت‌باری را رقم بزند.

چگونه می‌توان انتظار داشت فرد یا گروهی در اجتماع انسانی مشارکت کند، ولی هیچ اطلاع و دانشی نسبت به نوع مشارکت، شیوه‌ی ارتباط جمعی و دیگر ابزارهای آن نداشته باشد؛ به عبارت دیگر باید گفت که سهیم کردن افراد بی‌سواد در اداره‌ی جامعه آسیبی بیشتر از نقض مشارکت همگانی دارد. در این حالت ممکن است هر شخصی بدون داشتن اطلاع و آگاهی شروع به اظهار نظر در یک موضوع نماید و یا متصدی امری در گروه‌های اجتماعی

گردد، زیان های مادی و معنوی این بی تدبیری قابل پیش بینی است. چنانچه نمی توان انتظار داشت که فرد بی خردی، اقدامی خردمندانه اتخاذ نماید.

۲-۴. تحصیل عامل ارتقای سطح مهارت های زندگی و پیشگیری از بزه دیدگی

مهارت های زندگی مجموعه ای از توانایی هستند که زمینه سازگاری و رفتار مثبت و مفید را فراهم می سازند؛ این مهارت ها، افراد را قادر می سازند بدون صدمه به خود و دیگران، با چالش های روزانه زندگی و با تعامل خود با دیگران، تعادل ایجاد کنند (جباری ظهیر آبادی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴). یونسکو معتقد است چهار نوع یادگیری در آموزش رخ می دهد: (۱) یادگیری برای زندگی کردن؛ (۲) یادگیری برای دانستن؛ (۳) یادگیری برای انجام دادن امور و (۴) یادگیری برای بودن (Ssenyonjo, 2009: 357). پژوهش ها بیانگر آن است که «آموزش مهارت های اجتماعی در پیشگیری از بزه دیدگی کودکان در آینده مؤثر خواهد بود و نظام آموزشی در زمینه پیشگیری از بزه دیدگی با راهبرد اجتماعی کردن دارای کارکرد مثبت است» (شیری و بطیاری، ۱۳۹۷: ۳۳۸-۳۳۷).

تحصیل و آموزش به عنوان عامل ارتقابخش سطح مهارت های زندگی است و این مقوله عامل پیشگیری از جرم محسوب می شود. تحصیل و محتوایی که انتظار می رود بتواند این سطح از مهارت را افزایش دهد به ما کمک می کند تا بتوانیم جامعه ای آگاه داشته باشیم، عمدتاً جرایم ناشی از عدم آگاهی هستند، جهل عاملی است برای ارتکاب رفتارهای زیانبار و انحرافی که بعضاً عنوانی مجرمانه نیز برای آنها تعریف شده است؛ بنابراین نقض حق تحصیل به معنای گسترش جرم در اجتماع است.

مهارت های مرتبط با کنترل و مهار خشم می تواند گامی اساسی در راستای مقابله با خشونت باشد (زرنشان و دیگران، ۱۴۰۲: ۲۳۹). امروزه این نکته در تحقیقات جرم شناسی به اثبات رسیده است که میان جرم و جهل یا میان مجرمان جاهل و نرخ جرم رابطه سببیت وجود دارد. علاوه بر رابطه ای که میان جهل و کمیت جرائم وجود دارد، میان جهل و کیفیت جرائم نیز می توان چنین رابطه ای را به دست آورد (خیرآبادی و سایرین، ۱۳۹۷: ۲۶۷). ناکامی در تحصیل و ترک مدرسه به معنای آن است که فرد از یک سری آموزش های لازم برای زندگی محروم می شود. در این میان، این کودکان بلافاصله پس از رها کردن مدرسه، وارد بازار کار می شوند؛ یعنی از دنیای کودکی به دنیای بزرگسالی جهش می یابند، بدون آنکه این اتفاق، گام به گام رخ داده باشد و فرد به لحاظ ذهنی و روانی و حتی جسمی، آمادگی روبه رو شدن با شرایط جدید را داشته باشد. موضوع تحصیل برای گروه هایی از اجتماع انسانی بسیار حساس تر

بوده و می‌تواند عامل پیشگیرانه‌ی مهم‌تری تلقی گردد؛ کودکان و به‌خصوص دختران در سنینی که لازم است با همسالان خود در محیطی آموزشی و مهارتی قرار گیرند و تحت نظر مربیان تربیتی و تحصیلی قرار داشته باشند، در نتیجه‌ی منع از تحصیل در محیطی قرار می‌گیرند که کاملاً متفاوت است، همسالان وجود ندارد، کار در این دوره برای آنان به شکلی تعریف شده است که نه توان و نه علم انجام آن را دارند، بنابراین دچار آسیب‌هایی می‌شوند که به‌ناچار در معرض پدیده‌های مجرمانه قرار می‌گیرند.

توجه به مهارت‌های اجتماعی در برنامه‌ریزی درسی، نشان دادن تأثیرات مخرب دوستان نالایق و ناشایست و چگونگی قطع ارتباط با آنها، آموزش مهارت‌های زندگی نظیر دوست‌یابی و خودشناسی و کشف خود در محتوای آموزشی، تقویت عزت‌نفس و احترام به دانش‌آموز توسط معلم، آشنا کردن دانش‌آموز با حقوق خود و مواردی از این دست می‌تواند در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و بزه‌دیدگی دانش‌آموزان مؤثر افتند (اکبرنژاد و میرزایی، ۱۳۹۶: ۹۱). اثر آموزش و علم آن است که مانع تحقق جرائمی می‌شوند که با سوءاستفاده از جهل دیگران صورت می‌گیرد مانند کلاهبرداری که غفلت و جهل رکن مهم آن است و بسیاری از مجرمان با اغفال دیگران اموال آنها را می‌ربایند حال آنکه اگر قربانی جرم بداند که رمالی و شفا دادن بیماران و برقراری آشتی میان زن و شوهر و اعمالی از این قبیل واقعیت ندارد تن به چنین اعمال نمی‌دهد و زمینه ارتکاب جرم از بین می‌رود (زراعت، ۱۳۹۱: ۲۳۸). آموزش مهارت‌های زندگی را می‌توان به عنوانی بخش مهمی از آموزش به حساب آورد. این آموزش پنهان قصد دارد، شهروندی جامعه‌پذیر و مناسب جهان امروز تربیت نماید. مهارت نه گفتن، مهارت توانایی حل مسئله، مهارت توانایی تصمیم‌گیری، مهارت برقراری ارتباط و ... از مهم‌ترین این مهارت‌ها محسوب می‌گردد. به عنوان مثال توسعه‌ی مهارت تفکر انتقادی می‌تواند عامل مهمی در شناسایی تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های بالقوه باشد (Corradini & Nardelli, 2019, 213).

در همین ارتباط برنامه‌ی جهانی SEL^۱ بر رشد سیستماتیک مهارت‌های اجتماعی و عاطفی تأکید دارد و به کودکان در حل چالش‌های زندگی خود و موفقیت در یادگیری اجتماعی و عاطفی کمک می‌کند. این برنامه آموزش دانش و مهارت‌هایی به شرح ذیل است: دانش ساماندهی و مدیریت عواطف، ایجاد ارتباط مثبت، رسیدگی سازنده به موقعیت‌های چالش‌زا و ایجاد مسئولیت برای تصمیمات (Kelly, 2007: 3). یکی از مهم‌ترین جنبه‌های پیشگیری از

جرم، موضوع اقدامات توان افزایی است که نسبت به بزه دیدگان صورت می گیرد. افزایش توان قربانیان بالقوه‌ی جرایم و بزه دیدگان آسیب پذیر و در معرض زیان، از طریق برقراری حق تحصیل برای این گروه قابل اجرا می باشد؛ به عبارت دیگر می توان گفت که زمانی می توان انتظار داشت شخص با خود ایمنی ایجاد شده موضوع جرایم مالی، جرایم علیه حیثیت معنوی، جرایم علیه عفت عمومی و امثال آن واقع نشود که فرد با برخورداری از تحصیلات و دانش عمومی ایجاد شده، بدین مسئله آگاهی پیدا کرده باشد. اقدامات توان افزایی که به عنوان کنش های غیرکیفری سیاست جنائی محسوب می شوند با تدابیر مختلفی اعمال می شوند که یکی از مهم ترین آنها ایجاد آگاهی، آموزش و حتی هشدار می تواند باشد. بسیاری از قربانیان جرایم پیش گفته از طبقات اجتماعی بی سواد هستند که قدرت دفاع از خود را ندارند و یا حتی به وضعیت ایجاد شده کاملاً ناآگاه هستند. کلاهبرداری با شیوه های جدید در فضای مجازی نسبت به افراد بی اطلاع انجام می شود. بزه دیدگی در خصوص برخی از جرایم علیه شخصیت معنوی نیز به همین شکل ناشی از عدم آگاهی افراد از عواقب اعمالی است که تحت تاثیر دیگران انجام می دهند.

۲-۵. برقراری حق تحصیل عامل بهبود اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و پیشگیری از بزه دیدگی ناشی از فقر

فقر آموزشی منجر به فقر اقتصادی و در نهایت جرایم یقه آبی هاست. فقر و آموزش رابطه ای دوسویه دارند. درآمد پایین اقتصادی به بازآفرینی فقر دامن می زند. یکی از کارکردهای نظام تعلیم و تربیت از بین بردن فقر در جامعه است. آموزش نه تنها موجب افزایش درآمد فرد می شود بلکه بر رفتار، شیوه ی تصمیم گیری و استفاده از فرصت های پیش روی آنها تأثیرگذار می باشد. هر دو کارکرد فوق موجب می شود که افراد در مواجهه با شرایط سخت اقتصادی با تصمیم گیری صحیح و به اتکای دانش و مهارت مکتسبه از فقر دوری کنند (Zuluaga, 2007)، آموزش کارکردی مشابه سرمایه گذاری در نیروی انسانی دارد.

از مهم ترین علل جرم‌زا در جوامع می توان به علل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی اشاره کرد، حذف عوامل جرم‌زای اجتماعی می تواند به نوعی پیشگیری اجتماعی از جرم را رقم بزند؛ پیشگیری اجتماعی در واقع حذف این عواملی است که به صورت کلی در یک جامعه ی انسانی دیده می شود و سبب ایجاد رفتارهای مجرمانه و منحرفانه می گردد. برقراری حق تحصیل تا حدودی سبب حذف این عوامل جرم‌زا خواهد شد، فقر به عنوان عاملی مهم در

وقوع جرایم علیه اموال و حتی دیگر جرایم با موضوعات غیرمالی محسوب می‌شود. تحصیل می‌تواند از منظر اقتصادی موجب رفع برخی از محدودیت‌ها و محرومیت‌ها گردد.

۶-۲. توانمندسازی حاکمیت و شهروندان در سایه‌ی ارتقای سطح دانش و پیشگیری از بزه-دیدگی ناشی از ضعف‌های فردی و اجتماعی

جوامع قدرتمند و بانفوذ جهان امروز بر مبنای میزان تولید علم، پیشرفت صنعتی و دسترسی به فناوری‌های نوین رتبه‌بندی می‌شوند؛ رسیدن به این سنجه‌ها میسر نیست مگر با آموزش برابر و با کیفیت، لذا تضمین این نوع آموزش از سوی دولت و با ابزارهای حقوقی و قانونی بسیار اهمیت دارد. حق برخورداری از آموزش و پرورش سبب شده است تا سیاست‌گذاران جنایی از آن به عنوان سازوکاری برای پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی استفاده نمایند. آموزش از طریق شکل‌دهی درست نظام شخصیتی افراد و یا حل معضل فرآیند رشد افراد مشکل‌دار از احتمال قربانی شدن آنان در جرایم مختلف می‌کاهد. حق بر آموزش به‌واسطه بسترسازی برای درست تربیت شدن شهروندان در پهنه‌ی پیشگیری از جرم و بزه‌دیدگی مؤثر افتد (نیازپور، ۱۳۹۱: ۸۸).

یکی از جنبه‌های حیاتی آموزش، توانمندسازی اعضای جامعه و تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد برای اجرای سیاست‌های مشارکتی است (آل رسول و مرشدی، ۱۴۰۳: ۸۸). با افزایش سطح تحصیلات، زمینه جرم (فقر و بیکاری) کاهش می‌یابد (کاشی و جاویدی، ۱۳۹۱: ۸۵). هیچ جامعه‌ی توسعه‌یافته‌ای یافت نمی‌شود که در آن آموزش و نهادهای آموزشی، راهبر توسعه نباشند (خلفخانی، ۱۳۹۲: ۸۴). دانش واقعی است که سبب تسلط بر اوضاع و حل مسائل روز خواهد شد و این موضوع با حمایت از آموزش عادلانه، با کیفیت و مبتنی بر پژوهش میسر است. آموزش و پرورش پیش‌نیاز توسعه فردی است. نکته قابل توجه این است که بدون آموزش فرد قادر به پیشرفت نیست و به عنوان یک فرد قادر به تحقق استعدادهای خود نیست. بسیاری از اسناد بین‌المللی حقوق بشر به این نقش آموزش اشاره می‌کنند. آموزش و پرورش باید به عنوان یک حق اساسی بشری شناخته شود؛ زیرا تنها آموزش و پرورش توانایی تحقق توانایی‌های فرد را ممکن می‌کند (یوسفی، ۱۳۹۹: ۱۹). شهروندان را نمی‌توان جدای از حاکمیت دانست، صرف قدرتمند ساختن یک حکومت بدون توجه به ظرفیت شهروندانی که حقوقی مسلم دارند، شکافی بین این دو ایجاد خواهد کرد که خود عامل فرار از قانون و قانون‌شکنی خواهد بود و این رشد همه‌جانبه می‌تواند صرفاً با تحصیل و آموزش نهایی گردد.

علم و دانش علاوه بر اینکه بر اساس آموزه‌های دینی، نور و روشنایی و چراغ عقل و حکمت است، سرچشمه توسعه، تعالی و حرکت جامعه در لبه‌ی مرزهای دانش و ابزار اقتدار و استقلال کشورها محسوب می‌شود (آقا بابایی و اردلانی، ۱۴۰۱: ۲۰۶).

حق بر آموزش ممکن است به عنوان یک حق توانمندسازی توصیف شود. این نام‌گذاری توسط جک دانلی صورت گرفته است. حقوق توانمندساز عبارت است از اینکه فرد را با دادن امکان کنترل مسیر زندگی، به‌ویژه در مقابل (نه صرفاً محافظت در برابر دولت) دولت مجهز می‌کند (Donnelly & Howard, 1988: 215). حق تحصیل حقی است پایه‌ای، پایه‌ی دستیابی به حقوق دیگر بشری محسوب می‌شود و موجب می‌شود افراد بتوانند به ظرفیت کامل خود از استعدادها و توانایی‌ها دست یابند.

بنا بر تفسیر عمومی ماده ۱۳ میثاق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی. آموزش به عنوان یک حق توانمندساز وسیله اصلی است که به واسطه‌ی آن بزرگسالان و کودکانی که به لحاظ اقتصادی و اجتماعی به حاشیه رانده شده‌اند خود را از فقر بیرون بکشند و ابزار مشارکت کامل در جوامع خود را به دست آورند. آموزش نقشی حیاتی در توانمند ساختن زنان، حفاظت از کودکان در برابر کار، حقوق بشر و دموکراسی را ارتقا می‌دهد و از محیط زیست حمایت می‌کند و رشد جمعیت را کنترل می‌کند. بند یک ماده ۱۳ میثاق مذکور از سه جهت به مطالب اعلامیه می‌افزاید، اینکه آموزش باید در جهت حفظ کرامت شخصیت انسانی هدایت شود و همه اشخاص را قادر سازد به نحو مؤثر در جامعه آزاد مشارکت کنند و باید تفاهم میان همه گروه‌های قومی و دولت‌ها و گروه‌های نژادی و دینی را ارتقا دهند و شاید هدایت آموزش به سمت توسعه کامل شخصیت انسانی از میان اهداف مشترک در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق، اساسی‌ترین هدف باشد. حق بر آموزش به عنوان یکی از حق‌های بشری توانمندساز، قابلیت نظارت بر مسیر زندگی و به‌طور خاص نظارت بر دولت را برای هر فرد فراهم می‌نماید (Chapman & Russell, 2002: 219).

آموزش با ایجاد تغییر در نگرش عاملی مؤثر در افزایش رضایتمندی از خود است، آشنایی با شایستگی‌ها و توانایی‌های خود، قدرت انسان را در تغییر و تحلیل دنیای اطراف قوت بخشیده و به انسان قدرت پیش‌بینی می‌دهد. توانایی در پیش‌بینی نیز موجب توانایی در برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی برای آینده می‌شود. این فرآیند زیربنای تمدن جهانی را تشکیل می‌دهد که بی‌شک از مجرای آموزش صورت گرفته است (خیرآبادی، ۱۳۹۷، ۲۷۳). دانش وسیله‌ای برای بهتر زیستن و مسئولیت‌پذیری است که مطلوب بشر می‌باشد. به نظر ارسطو،

هدف آدمیان بهروزی است و بهروزی عبارت از به کار بردن فضیلت به طور کامل است و تأمین فضیلت در هر کشور حاصل دانش و مملکت‌داری است. فضیلت (نیکی) از سه چیز پدید می‌آید: منش، عادت و خرد (سه گوهر آدمی) (ارسطو، ۱۳۷۱: ۳۱۰). حق تحصیل در تمام ادوار زندگی بشری باید به رسمیت شناخته شود. تحصیل صرفاً به آموزش در مدارس محدود نیست، تحصیل مهارت‌های ورزشی که منجر به یک زندگی سالم فیزیولوژیکی است می‌تواند در این مجموعه قرار گیرد.

در برخی از جرایم، به جهت جدید و تخصصی بودن موضوع، بهره‌گیری از سطح خاصی از آموزش می‌تواند در پیشگیری از بزه‌دیدگی مؤثر واقع شود؛ یکی از این زمینه‌ها، جرایم سایبری هستند. ناآگاهی از ویژگی‌های اصلی بزه‌دیدگان سایبری و از عوامل اصلی بزه‌دیدگی سایبری است فضای سایبر، فضایی جدید و مدرنی است و بالتبع، تهدیدات و جرائمی که در این فضا شکل می‌گیرند، نیز نوظهور خواهند بود. بنابراین، حضور ایمن در این محیط و مقابله با تهدیدات آن نیاز به آگاهی و دانش رایانه‌ای دارد. امروزه، افراد در هر سطح دانش و تحصیلاتی که باشند، نمی‌توانند خود را نسبت به امکانات و جذابیت‌های فضای مجازی بی‌علاقه و بی‌تفاوت نشان دهند از این جهت، فراگیری نحوه صحیح استفاده از این امکانات و مقابله با تهدیدات از ملزومات کاربری در فضای سایبر است. آموزش به عنوان یکی از مؤثرترین راهکارها در پیشگیری از بزه‌دیدگی سایبری مطرح می‌شود آموزش، افراد را با خطرات و تهدیدات فضای مجازی آشنا کرده و مهارت‌های لازم برای مقابله با آنها را به آنها می‌آموزد این امر موج افزایش آگاهی و تغییر رفتار افراد در فضای مجازی شده و در نتیجه، احتمال بزه‌دیده را کاهش می‌دهد (آل رسول و مرشدی، ۱۴۰۴: ۹۱).

۲-۷. تربیت شهروندان قانون‌مدار در پرتو برقراری حق تحصیل

قانون‌مداری شهروندان و ایجاد پذیرش نسبت به قانون برای افراد جامعه از آمال و آرزوهای اجتماع بشری است. پذیرش قانون یعنی ایجاد نظم و پذیرش تفکرات حاکمیت، هر اندازه مردم نسبت به این قوانین در یک حکومت اقبال بیشتری نشان دهند، اعتماد به نفس قانون‌گذار افزایش خواهد یافت، نظام حاکمیتی با قدرت بیشتری توان ایستادگی در مقابل مخالفت‌ها را به جهت پشتیبانی لازم خواهد داشت و در وضعیت بالعکس نیز همین مسئله می‌تواند قابل تصور باشد. شهروند تحصیل کرده برای حفظ ساختارها و آرمان‌های دموکراتیک ضروری است (Nowak, 1995: 221).

با برخورداری از این حق، انسان به موجودی آگاه و مسئول تبدیل می شود و تکالیفی همچون رعایت قوانین و مقررات، احترام به دیگر انسان ها، رواداری، احترام به صلح و امنیت و ... برعهده او قرار می گیرد. تلازم حق و تکلیف، از یک سو دیگران را به رعایت حقوق انسان ملزم و از سوی دیگر، خود انسان را مسئول رفتارهای خود می کند. به این ترتیب حقوق انسانی، اشخاص را ناگزیر می کند که حق دیگران را به رسمیت بشناسند و در برابر حق دیگران، تکلیفی بر عهده داشته باشند (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۳۶).

آنچه در جامعه‌ی امروزی به وضوح دیده می شود این است که ثروت از طریق علم به دست نمی آید، ولی با صرف هزینه می توان به مدارک عالی تحصیلی نیز دست یافت. اگر مسیر کسب درجات علمی، نظام مند باشد و خالی از رفتارهای انحرافی و مجرمانه محقق گردد، مدارک علمی و دانشگاهی دارای ارزش خواهد بود و تمایل شهروندان برای رسیدن به آنچه ارزشمند است بیشتر خواهد شد. نظام آموزش و پرورش هر جامعه از آن رو شکل یافته و قوام گرفته است که شهروندانی مؤثر و مطلوب را متناسب با نیازها و ارزش های اجتماعی تربیت کند و تحویل جامعه دهد (دهدار و سایرین، ۱۳۹۷: ۴۱). شهروندی یک فرایند مربوط به تمام عمر است و به همین جهت همه‌ی افراد در تمام طول زندگی خود نیازمند آن هستند که در زمینه های اخلاقی، رشد اجتماعی و دانش درک درست و عینی از جهان آموزش ببینند، در تمام تصمیم گیری های مربوط به خودشان در جامعه مشارکت کنند و شهروندی فعال باشند. (Geboers, et al., 2013: 170)؛ به عبارت دیگر هدف آموزش و تحصیل یادگیری حقوق و مسئولیت های شهروندی است. شهروند آگاه برای ادامه حیات و تقویت ساختارها و اهداف دموکراتیک اهمیت حیاتی دارد. برای حصول این هدف، به جای بیان مطالب علمی و آکادمیک باید موضوعاتی که به زندگی در جامعه ارتباط پیدا می کنند نظیر بهداشت و سلامتی، سیاست، بودجه ریزی، مواد مخدر، شهروندی و مهارت های زندگی آموزش داده شود (رستم نژاد، ۱۳۹۷: ۸۳). در نتیجه تحصیل و آموزش عادلانه و با کیفیت، منجر به تقویت بنیان های فرهنگی، تکامل شخصیت اجتماعی و بهبود اوضاع اقتصادی است که خود عامل مهمی در پیشگیری از بزه دیدگی خواهد بود. تحصیل، یکپارچگی اقتصادی و اجتماعی را تسهیل می کند. فقط افراد باسواد می توانند به درستی در زندگی اقتصادی شرکت کنند و از فرصت هایی که ارائه می شود نهایت استفاده را ببرند (یوسفی، ۱۳۹۹: ۱۱).

از منظر جامعه شناسی، نیاز به برخی از اصلاحات و برخی از تأثیرات بر اجتماع ایجاب می کند که تحصیل و دانش اندوزی در جوامع فراگیر گردد. دانش جامعه شناسی که به دنبال

اجتماعی سازی افراد اجتماع، ساماندهی گروه‌های اجتماعی و ایجاد ارتباط سالم بین این دسته از گروه‌ها می‌باشد برای اجرای اهداف خود نیاز به شهروندانی تحصیل کرده و آگاه دارد. از کوچکترین مفاهیم مورد نیاز شهروندان می‌توان سخن گفت و می‌توان انتظار داشت که افراد بشری بر این موارد مطلع باشند تا پیچیده‌ترین تفکرات اجتماعی که شکل‌دهنده‌ی مکاتب فکری هستند، همگی نیاز به شیوه‌ای از یادگیری سواد و تحصیل دارند. پیش‌زمینه‌ی قانون-مداری، آگاهی نسبت به قوانین و حقوق شهروندان است، عدم آگاهی بزه‌دیده از حقوق خود و عدم اشراف بر مقررات شکلی برای احقاق این حقوق باعث شده است بسیاری از جرایم گزارش نشود (halder, 2022: 9). برخورداری از بسیاری از حقوق مدنی و سیاسی مانند آزادی اطلاعات، بیان، تجمع و تشکیل اتحادیه، حق مأموران و انتخاب شدن یا حق دسترسی به خدمات عمومی منوط به یک سطح حداقل از آموزش است. بسیاری دیگر از حقوق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی مانند حق انتخاب کار، دستمزد برابر برای کار برابر، تشکیل اتحادیه‌های تجاری، مشارکت در زندگی فرهنگی و... فقط هنگامی می‌تواند معنای منطقی داشته باشد که به سطح حداقلی از آموزش رسیده باشیم. آموزش امروزه در جهان معاصر کارکردی چندگانه دارد (خیرآبادی، ۱۳۹۷: ۲۷۱). آموزش علاوه بر کارکرد ابزاری، آثار اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی برای اشخاص جامعه دارد و فقدان آن، اشخاص را از دستیابی به زندگی مطلوب آن‌چنان که اهداف آموزش بر آن نهاده شده، محروم می‌کند. آموزش، کارکرد خرد و کلان نسبت به فرد و جامعه دارد و افزون بر کارایی اقتصادی، حق‌محور نیز به‌شمار آمده و برای شکوفایی استعداد انسانی بایسته است. (Robeyns, 2006: 82-83) حق بر آموزش را می‌توان حق بر بالندگی و شکوفایی که لازمه‌ی هویت و ذات انسان است، تعبیر کرد (مرندی و قربانی، ۱۴۰۰: ۸۰). شهروندان قانون‌مدار یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های معنوی در یک نظام حقوقی محسوب می‌شود که می‌تواند به پیشبرد قوانین و مقررات منجر شود و نیز موجب توانمندسازی افراد و کلیت اجتماع گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعات پیشگیری از جرم با تأکید بر توانمندسازی بزه‌دیدگان و به عبارت دیگر مبتنی بر پیشگیری از بزه‌دیدگی، رویکرد جدیدی در جرم‌شناسی به وجود آورده است؛ بزه‌دیدگی عموماً ناشی از ضعف و عدم آگاهی افراد از خطرات موجود و موقعیت‌های جرم‌زا می‌باشد. جهل قربانیان جرم، عامل مهمی در وقوع جرایم محسوب می‌شود. بزه‌دیدگی ناشی از جهل به موقعیت‌هایی اشاره می‌کند که در آن، افراد به جهت عدم آشنایی با قوانین و مقررات، اصول

فنی و تخصصی امور، فقر فرهنگی و اجتماعی و دیگر اشکال عدم آگاهی، بزه‌دیده واقع می‌شوند. برقراری حق تحصیل و آموزش می‌تواند عامل مهمی در پیشگیری از این نوع بزه‌دیدگی محسوب شود. تحصیل به عنوان موتور محرکه و انسجام‌بخش شخصیت فردی و اجتماعی شهروندان، نقش مهمی در توانمندسازی آنان و حاکمیت‌ها دارد. جامعه‌ای که افراد در آن از آموزش و تحصیلات با کیفیت، متناسب، نافع و به دور از تبعیض برخوردار باشند، شهروندانش، سیل مجرمانه‌ی مناسبی نخواهند بود. از سوی دیگر هر اندازه اطلاعات و سواد قانونی افراد در اجتماع در سطح بالاتری قرار داشته باشد می‌توان انتظار داشت از بزه‌دیدگی ثانویه و ثالث پیشگیری موثرتری صورت پذیرد و پیگیری قضائی جرایم واقع‌شده، متناسب‌تر انجام خواهد شد.

بزه‌دیدگی ناشی از جهل، نتیجه‌ی سطح پایین دانش و سواد عمومی و تخصصی در افراد است. یکی از مهم‌ترین انواع بزه‌دیدگی، پدیده‌ی بزه‌دیدگی ناشی از قدرت دولت است که از جهل اشخاص به حقوق فردی و اجتماعی خودشان به وجود می‌آید. تحقق حق بر آموزش به ورود مؤثر افراد در جامعه و پیگیری تحقق سایر حقوق بشر و سرانجام از این طریق، به انتفاع اجتماع و جامعه و مشارکت اجتماعی منجر می‌شود. یکی از ابعاد مهم این مشارکت، مشارکت در حیات فرهنگی است؛ از سوی دیگر تحصیل و آموزش به عنوان عامل ارتقابخش سطح مهارت‌های زندگی است و این مقوله عامل پیشگیری از جرم محسوب می‌شود. تحصیل و محتوایی که انتظار می‌رود بتواند این سطح از مهارت را افزایش دهد به ما کمک می‌کند تا بتوانیم جامعه‌ای آگاه داشته باشیم، عمدتاً جرایم ناشی از عدم آگاهی هستند، جهل عاملی است برای ارتکاب رفتارهای زیانبار و انحرافی که بعضاً عنوانی مجرمانه نیز برای آنها تعریف شده است؛ بنابراین نقض حق تحصیل به معنای گسترش جرم در اجتماع است. در برخی از جرایم، به جهت جدید و تخصصی بودن موضوع، بهره‌گیری از سطح خاصی از آموزش می‌تواند در پیشگیری از بزه‌دیدگی موثر واقع شود؛ تحصیل و آموزش عادلانه و با کیفیت، منجر به تقویت بنیان‌های فرهنگی، تکامل شخصیت اجتماعی و بهبود اوضاع اقتصادی است که خود عامل مهمی در پیشگیری از بزه‌دیدگی خواهد بود.

در نتیجه به جهت مسلم بودن دو قضیه‌ی ضرورت پیشگیری از جرم و برخورداری از حق تحصیل، پیشنهاد می‌گردد؛ دولت در اجرای حق تحصیل به شکلی برابر و عادلانه و البته نافع و اثرگذار، در رفع جهل و ناآگاهی شهروندان تلاش کند. اجرایی‌سازی حق تحصیل و آموزش برای تمامی شهروندان و در سطحی مناسب برای پیشگیری از بزه‌دیدگی ناشی از جهل ضروری است.

منابع

- ارسطو. (۱۳۷۱). سیاست. ترجمه حمید عنایت. چاپ سوم. انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- آقابابایی، حسین و اردلانی، کورش. (۱۴۰۲). چالش‌های تقنینی و قضایی قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی مصوب ۱۳۹۶. مجلس و راهبرد، ۳۰(۱۱۶): ۲۳۰ - ۲۰۵.
https://nashr.majles.ir/article_557.html
- آل رسول کمارعلیا، میرالتفات و مرشدی، مسعود. (۱۴۰۴). نقش آموزش در پیشگیری از بزه‌دیدگی سایبری. پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی. ۲(۵): ۹۹ - ۷۳.
https://www.qacr.ir/article_722325.html
- بکرایی، سیف و حبیبی مجنده، محمد. (۱۴۰۲). مفهوم و جایگاه حق مشارکت در حیات فرهنگی از منظر حقوق بین الملل بشر و حقوق ایران. پژوهش‌های نوین حقوق اداری، ۵(۱۴): ۱۱۹ - ۸۹.
https://www.malr.ir/article_704473.html
- جباری ظهیرآبادی؛ شریعتمداری علی، مهدی؛ دلگشایی، یلدا و کردستانی، فرشته. (۱۴۰۰). ارائه الگوی مدیریت اجرای آموزش مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان ابتدایی. رهیافتی نو در مدیریت آموزشی. ۱۲(۵): ۱۸۴ - ۱۶۷.
<https://www.sid.ir/paper/999787/fa>
- جعفری، علامه محمدتقی. (۱۳۹۷). حقوق جهانی بشر. مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- خداداد کاشی، فرهاد و جاویدی، ابراهیم. (۱۳۹۱). اثر آموزش بر جنبه‌های مختلف فقر در مناطق شهری و روستایی ایران. رفاه اجتماعی، ۱۲(۴۶): ۱۲۱ - ۹۳.
<https://refahj.uswr.ac.ir/article-1-969-fa.html>
- خلفخانی، مهدی. (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی شیوه‌های حمایت دولتی از نظام آموزش عالی خصوصی و دولتی. آموزش عالی ایران، ۵(۴): ۱۰۶ - ۸۳.
<http://ihej.ir/article-1-587-fa.html>
- خیرآبادی، انور؛ نیک‌نژاد، جواد؛ بارانی، محمد و اسماعیلی، مهدی. (۱۳۹۷). رابطه پیشگیری از جرم و حق بر آموزش از منظر حقوق ایران و اسلام. سیاست جهانی، ۷(۳): ۲۸۱ - ۲۶۵.
<https://ensani.ir/fa/article>
- دهدار، مجتبی؛ سایگانی، لایلا؛ ارباب، اسماعیل؛ ارژنده، محمد؛ شاهکزی، حسین و رئیس، احمد. (۱۳۹۷). نقش مدارس در تربیت شهروند فعال و مولفه‌های آن، پیام فرهیختگان. ۳(۱۲): ۵۱ - ۴۱.
<https://www.hfj.ir>
- رستم‌نژاد، رضا. (۱۳۹۷). سیاست جنایی قضایی و اجرایی ایران در قبال حق آموزش اطفال و نوجوانان با نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.
- زاهدی، مهدی و شریف‌زاده، شیرین. (۱۴۰۰). آزادی بیان و اصل دوگانگی ایده و بیان. پژوهش حقوق عمومی، ۲۳(۷۱): ۱۲۷ - ۹۵.
https://qjpl.atu.ac.ir/article_13519.html

- زراعت، عباس. (۱۳۹۱). *درآمدی بر علوم جنایی*. انتشارات جاودانه.
- زرنشان، شهرام؛ کرمی، موسی و زندگی. ریحانه. (۱۴۰۲). کنکاشی در نسبت میان برخورداری از حق بر آموزش، کسب مهارت‌های زندگی و کاهش خشونت علیه کودکان. *فقه و حقوق خانواده*. ۲۸ (۷۸): ۲۲۹-۲۵۶

https://flj.isu.ac.ir/article_76606.html

- سیف، علی‌اکبر. (۱۴۰۰). *روانشناسی پرورشی نوین*. انتشارات دوران.
- شیرینی ورنامخواستی، عباس؛ بطیاری، عاطفه. (۱۳۹۷). پیشگیری از بزه‌دیدگی قلدری کودکان و نوجوانان از مسیر مداخلات مدرسه محور. *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۴۸ (۲): ۳۵۶-۳۳۵.
- فلسفی، نصرت‌اله. (۱۳۹۴). *حق بر آموزش در حقوق بین‌الملل و حقوق ایران*. انتشارات جنگل. چاپ اول.

- قاسمی پیربلوطی، اکبر و عزیزمراد، مرادی. (۱۳۹۷) *تعامل پیشگیرانه پلیس و مدارس؛ زمینه‌های ایجاب، راهکارهای تحقق. آموزش در علوم انتظامی*، ۷ (۲۶): ۲۱۲-۱۶۹.

<https://www.sid.ir/paper/522602/fa>

- قربی، سید محمدجواد. (۱۳۹۹). *کرامت انسانی و حقوق بشر، بررسی مقوله کرامت در اسناد بین‌المللی حقوق بشر. پژوهشنامه حقوق بشری*، ۴ (۱۹): ۱۰۵-۶۱.

<https://ensani.ir/fa/article/422658>

- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۳). *دوره حقوق مدنی خانواده*. شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۲). *آزادی اندیشه و بیان*. نشر گرایش.
- لپز، ژرار و فلیزولا، ژینا. (۱۳۷۹). *بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی*. ترجمه روح الدین کرد علیوند و احمد محمدی. مجد.

- مرنندی، الهه و قربانی، اعظم. (۱۴۰۰). *مبانی و سازوکارهای حمایتی حق آموزش در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد حقوق بشری*. *مطالعات حقوق بشر اسلامی*، ۱۰ (۲۰): ۱۰۲-۷۹.

https://www.pfbaj.ir/article_128555.html

- مظهری، محمد؛ موسوی، سید علی و روائی، رحیم. (۱۴۰۲). *بررسی حق تحصیل از لحاظ عوامل وابسته به آن در نظام حقوقی ایران*. *نشریه ایرانی مطالعات شهروندی*، ۱ (۱): ۱۰۶-۸۳.

https://ijcs.kashanu.ac.ir/article_113632.html

- معین، محمد. (۱۳۸۵). *فرهنگ فارسی*. انتشارات امیرکبیر.
- نجفی‌ابرنند آبادی، علی حسین. (۱۳۷۹). *تقریرات درس سیاست جنایی*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- نیازپور، امیرحسن. (۱۳۳۱). *حق برخورداری از آموزش و پرورش*. *مطالعات پیشگیری از جرم*، ۷ (۲۲): ۸۷.

<https://www.magiran.com/p1117672>



- نیسی، علی. (۱۴۰۲). سیاست کیفری اسلام در مواجهه با بزه‌دیدگی ناشی از قدرت دولتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه. موسسه آموزش عالی علوم انسانی.
- یوسفی آق گنبد، محمد. (۱۳۹۹). رویه قضایی بین‌المللی در مورد حق بر آموزش. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری.
- Blanca, Zuluaga. (2007). "Different channels of impact of education on poverty: an analysis for Colombia," Working Papers of Department of Economics, Leuven ces0702, KU Leuven, Faculty of Economics and Business (FEB), Department of Economics, Leuven.
- Bright, Melissa A & P Ortega, Diana & Bodi B, Csenge & Walsh, Kerryann. (2025). School-Based Victimization Prevention Education Programs for Children and Youth With Intellectual and Developmental Disabilities: A Scoping Review, *May*;30(2):357-379.
<https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/39207456/>
- Chapman, A. and Russell, S. (eds). (2002). *Core Obligations: Building Framework for Economic, Social & Cultural Rights*, Cambridge: Intersentia.
- Corradini, I. Nardelli, E. (2020). Social Engineering and the Value of Data: The Need of Specific Awareness Programs. In: *Ahram, T. Karwowski, W. (Eds) Advances in Human Factors in Cybersecurity*. AHFE 2019. Advances in Intelligent Systems and Computing, vol 960. Springer, Cham. pp. 59-65.
<https://www.researchgate.net/publication>
- Crews, G. (2009). Education and crime. In *J. M. Miller 21st Century criminology: A reference handbook* (pp. 59-66). SAGE Publications, Inc.
<https://www.doi.org/10.4135/9781412971997.n8>.
- Donnelly, J. and R. Howar. (1988). Assessing national human rights performance: A theoretical framework. In: *Human Rights Quarterly*, Vol. 1, pp. 214-248.
https://www.researchgate.net/publication/241841833_Assessing_National_Human_Rights_Performance_A_Theoretical_Framework
- Geboers, E., Geijssel, F., Admiraal, W., & ten Dam, G. (2013). Review of the effects of citizenship education. *Educational Research Review*, 9, 158-173.
<https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S1747938X12000176>
- Halder, D. (2022). *Cyber victimology: decoding cyber-crime victimisation*, Routledge, New York.
- Hussin, N & Zawawi, M. (2012). Preventing Criminal Victimization through Community Education: An Islamic Formula, *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 68:855-864.
https://www.researchgate.net/publication/257718551_Preventing_Criminal_Victimization_through_Community_Education_An_Islamic_Formula
- Kaya, M. N. (2013). Siber Güvenliğinin Milli Güvenlik Açısından Önemi Ve Alınabilecek Tedbirler. *Güvenlik Stratejileri Dergisi*, 18(9), 145-81.
<https://dergipark.org.tr/tr/pub/guvenlikstrjtj/issue/7525/99154>
- Kelly, L. (2007). *Social and Emotional Learning and Bullying Prevention*, American Institute for Research, pp.2-18.
- Nowak, M. (1995). The need for an Optional Protocol to the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights. In: *The Review (International Commission of Jurists)*, 55.
<https://www.icj.org/resource-document-type/publication/page/75/>

- Robeyns, I. (2006). Three Models of Education Right, Capabilities and Human Capital, *Theory and Research in Education*, 4(1).
https://nashr.majles.ir/article_555.html?lang=en
- Ssenyonjo, M. (2009). *Economic, Social and Cultural Rights in International Law*, Hart Publishing.